

## تأثیر هنر نمایش بر میزان خلاقیت و یادگیری درس فارسی در مقطع ابتدایی (مطالعه موردی دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی دبستان پسرانه سما بندرعباس)

بابک دهقانی<sup>۱</sup>، سیما سلمانی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری تخصصی تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، معاون پرورشی و پژوهشی، دبستان پسرانه سما، دانشکده فنی و حرفه ای سما بندرعباس  
<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناس ارشد رشته مدیریت آموزشی، آموزگار پایه چهارم ابتدایی، دبستان پسرانه سما، دانشکده فنی و حرفه ای سما بندرعباس

### چکیده

در این تحقیق که با موضوع تأثیر هنر نمایش بر میزان خلاقیت و یادگیری درس فارسی در مقطع ابتدایی می باشد، سعی بر آن شده است که برای مخاطبی که با کودکان و نوجوانان در ارتباط هستند، گفته شود که هنر نمایش خیلی از فعالیتهای آموزگاران را بر سر کلاس درس ساده تر و روان تر می نماید. کما اینکه نگارندگان این تحقیق نیز از آن در محل کار خود- دبستان پسرانه سما بندرعباس پایه چهارم- از آن بهره جسته اند. جامعه آماری مورد مطالعه این تحقیق دانش آموزانی می باشند که در درس فارسی دچار مشکل هستند و یا تمایل دارند داستان های زیبای این درس را به شکلی شیواتر و رساتر دریافت نمایند. در برخی موارد دانش آموزان خود تلاش دارند که درس را پیش برده و گاهی به همزاد پنداری با شخصیت های داستانی این کتاب زیبا نیز می پردازند.

واژه های کلیدی: هنر، نمایش، خلاقیت، فارسی

## ۱- ادبیات نظری و بیشینه پژوهش

## ۱-۱- هنر

در یک تعریف کلی هنر را چنین بیان می کنیم که خلاقیتی است درونی تا بتواند خلای را پر کند. یعنی هر آنچه از درون انسان به بیرون بترآود تا بتواند پاسخگوی یکی از نیازهای \_ترجیحا حسی\_ مردم در جامعه باشد. حال این هنر خود بر دو گونه است: یکی هنر زیبا و دیگری هنر کاربردی. لازم به ذکر است که هنر در جامعه اسلامی و در کشورهایی همچون ایران عزیز ما شرایط و ضوابط خاص خود را دارد.

کلمه هنر از واژه "سونر" در زبان سانسکریت گرفته شده و به معنای "یک واحد نیک" می باشد که در دوره هخامنشی وارد فرهنگ ایرانی و زبان سانسکریت گردید. در اواسط دوره اشکانی با ابداع خط پهلوی اشکانی که از الفبای آرامی گرفته شده بود، کلمه "سونر" به "هونر" تبدیل شد و سپس در طی دوره های متمادی به صورت واژه "هنر" تبدیل شد. امروزه آفرینش های هنری به پنج دسته تقسیم بندی شده اند: ۱- هنرهای ادبی (نظم و نثر و داستان و ...) ۲- هنرهای موسیقی (سنتی، نوگرا و ...) ۳- هنرهای نمایشی (تئاتر و سینما) ۴- هنرهای کاربردی (معماری، عکاسی، طراحی سنتی، صنایع دستی، طراحی دستی، گرافیک) ۵- هنرهای زیبا (نقاشی، پیکره سازی، پیکره تراشی) (رامونا محمدی، ۱۳۹۴؛ ۱۷).

اصلی که اقتضا دارد هنر با قوانین ملازم هر شی و موضوعی که هنرمندان بدان می پردازد سازگاری داشته باشد، در هنرهای فرعی نیز مراعات می شود؛ مثلا در هنر قالیبافی که معرف و مشخص جهان اسلام است، محدود ماندن به اشکال منحصر هندسی بر وفق ترکیب بندی هنری در سطحی مستوی و فقدان تصاویر به معنای حقیقی کلمه، مانع از باروری هنری نشده است (تیتوس برکههارت؛ ۱۳۹۰، ص ۱۳۴).

## ۱-۲- نمایش

نمایش زیر گروهی از هنر می باشد که با روایتی داستانهای را در برابر تماشاگران توسط اشخاصی به اجرا در می آورد. این گونه از نمایش به جز نام عامیانه اش که تئاتر نامیده می شود عناوین دیگری از جمله اپرا، باله، کابوکی، تعزیه، خیمه شب بازی و پانتومیم نیز دارد.

در واقع نمایش در یک معنای کلی یعنی A در نقش B وقتی که C نظاره گر آن باشد. اسلین مارتین در کتابش نمایش را قالبی برای اندیشه، روندی برای شناخت و شیوه ای برای برگرداندن مفاهیم انتزاعی به شرایط ملموس انسانی، به شمار می آورد (اسلین مارتین، ۱۳۷۹؛ ۴).

## ۱-۳- خلاقیت

آفرینندگی یا آفرینشگری یا خلاقیت، مهم ترین و اساسی ترین قابلیت و توانایی انسان و بنیادی ترین عامل ایجاد ارزش است که در همه ابعاد و جوانب زندگی وی نقش کاملاً حیاتی ایفا می کند.

خلاقیت و نوآوری از والاترین ویژگی های انسان است. همه علوم، تولیدات، فناوری ها، صنایع، ابداعات، اختراعات، هنرها، ادبیات، موسیقی، معماری و به طور کلی اساس انواع تمدن ها از ابتدا تاکنون و کلیه دستاوردهای بشری، جلوه های گوناگون خلاقیت و نوآوری است. تمدن انسانی و زندگی وی بدون خلاقیت امکان پذیر نیست. خلاقیت مفهومی است که تعریف های آن در طول زمان تغییراتی کرده است و پژوهشگران مختلف تعاریف متعددی برای آن ارائه نموده اند که البته اشتراک معنایی زیادی دارند. به عنوان مثال تورنس، خلاقیت را به عنوان نوعی مسئله گشایی مد نظر قرار داده است. به نظر وی تفکر خلاق مختصر عبارتست از فرایند حس کردن مسائل یا کاستی های موجود در اطلاعات، فرضیه سازی درباره حل مسائل و رفع کاستی ها، ارزیابی و آزمودن فرضیه ها، بازنگری و بازآزمایی آن ها و سرانجام انتقال نتایج به دیگران.

خلاقیت شامل تولید چیزی است که هم اصیل و هم ارزشمند باشد و نشأت گرفته از فرایندهای خودآگاه و ناخودآگاه انسان می باشد. از دیدگاه یک دیدگاه علمی محصولات تفکر خلاق گاهی اوقات به تفکر واگرا ارجاع داده می شود. همانند دیگر پدیده ها در علم یک دیدگاه یا تعریف یگانه از خلاقیت وجود ندارد و به طور متنوع به موارد زیر منسوب شده است: فرایند شناختی، محیطی اجتماعی، ویژگی فردی، شانس و همچنین مواردی مانند نبوغ، بیماری های روانی و شوخ طبعی پیوند داده شده است.

تعریف مناسب دیگر فرایند فرضیات شکسته است تفکرات خلاق زمانی تولید می شود که شخص پیش فرض ها را کنار گذاشته و یک دیدگاه جدیدی را جستجو کند که دیگران به آن نپرداخته اند. خلاقیت نیاز به حضور همزمان تعدادی از ویژگی ها از قبیل هوش، پشتکار، غیرمتمتعرف بودن و توانایی تفکر به سبکی خاص دارد. خلاقیت، خودکار و بدون زحمت و تلاش است و غالباً همچون تصورات ذهنی خودانگیخته به وجود می آید. برای آن مراحل توسط هلم هولتز و والاس پیشنهاد شده است: ۱-آمادگی ۲-دوره نهفتگی ۳-الهام ۴-تحقق (مجله مدیریت، شماره ۵۹؛ ۲۲)

#### ۱-۴-فارسی

فارسی یا پارسی یکی از زبان های هندواروپایی در شاخه زبان های ایرانی جنوب غربی است که در کشورهای ایران، افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان به آن سخن می گویند. فارسی زبان رسمی کشورهای ایران و تاجیکستان و یکی از دو زبان رسمی افغانستان (در کنار پشتو) است. زبان رسمی کشور هندوستان نیز تا پیش از ورود استعمار انگلیس، فارسی بود.

زبان فارسی را پارسی نیز می گویند. زبان فارسی در افغانستان به طور رسمی دری و در تاجیکستان تاجیکی خوانده شده است. فارسی از دیدگاه شمار و گوناگونی ضرب المثل ها در میان سه زبان نخست جهان است. با ورود واژگان از زبان عربی (و زبان های دیگری مانند یونانی، آرامی، ترکی و غیره) به زبان فارسی، این زبان از نظر تعداد واژه ها یکی از غنی ترین زبان ها شده است. در کمتر زبانی فرهنگ واژگانی چون دهخدا (در ۱۸ جلد) یا فرهنگ معین (در ۶ جلد) دیده می شود.

زبان فارسی از زبان قدیمی تر فارسی میانه (یا پهلوی) و آن نیز خود از فارسی باستان نشأت گرفته است. این دو زبان قدیمی تر برخاسته از ناحیه تاریخی پارس در نزدیک استان امروزی فارس در جنوب ایران هستند. فارسی میانه به عنوان گویش رسمی در زمان ساسانیان در دیگر سرزمین های ایرانی گسترش زیادی یافت به گونه ای که در خراسان بزرگ جایگزین زبان های پارسی و بلخی شد و بخش های بزرگی از خوارزمی زبانان و سعدی زبانان نیز فارسی زبان شدند. گویشی از فارسی میانه که بعدها فارسی دری نام گرفت پس از اسلام به عنوان گویش استاندارد نوشتاری در خراسان شکل گرفت و این بار با گسترش به سوی غرب به ناحیه پارس و دیگر نقاط ایران بازگشت.

فارسی زبان نخست ۲۰ میلیون تن در افغانستان، ۵ میلیون تن در تاجیکستان و در ازبکستان حدود ۷ میلیون تن است. زبان فارسی گویشورانی نیز در هند و پاکستان دارد. با توجه به رسمی بودن زبان فارسی در ایران، افغانستان و تاجیکستان و چیرگی گویشوران سایر زبان ها بدان به عنوان زبان دوم روی هم رفته می توان شمار فارسی گوینان جهان را نزدیک ۱۱۰ میلیون تن برآورد کرد. زبان فارسی نهمین زبان پرکاربرد در محتوای وب و بالاتر از عربی و ترکی و سایر زبان های خاورمیانه است آرمان بختیاری و دیگران، ۱۳۸۲؛ ۳۷).

**بابک دهقانی، نسیم عماره (۱۳۹۷)؛** زبان هنر به عنوان وسیله ای جهت آموزش از بهترین گزینه هایی است که در سالهای اخیر استفاده میشود. بسیاری از آموزگاران از آن استفاده نموده و سعی بر بهره از آن داشتهاند. در این تحقیق تلاش شده است کهبا استفاده از هنرهایی همچون نمایش و موسیقی در شیوه های جدید تدریس مباحثی را به مخاطب ارایه نمود، چرا که شیوه های معلم محور دیگر توانایی آموزش را نداشته و در دنیای دیجیتالی می بایست از علوم جایگزین استفاده کرد. نمایش و موسیقی از قدیم با مردمان همراه بوده و بشر توانسته است با آن ارتباط تنگاتنگی برقرار نماید. این دو هنر بر خلاف هنرهای دیگر نیاز به تخصص ویژه جهت دستیابی نداشته و هر شخصی در هر رده سنی توانایی اجرای آن را با تمرین و ممارست فراوان دارد. هنر نمایش در واقع به هنری اطلاق میگردد که شخص خود را در نقش دیگری ببرد تا بتواند مفاهیمی را به مخاطب خود ارایه کند. و هنر موسیقی در واقع به عنوان زبان مشترک همه مردم دنیا میتواند پل ارتباطی خوبی برای آموزش و پرورش آن هم در هزاره ی سوم به کار رود. در شیوه های سنتی و معلم محور، مدرس می بایست از تمام وجود خود مایه بگذارد تا بتواند پیامی را به مخاطبین خود که در واقع همان دانش آموزان هستند انتقال دهد. اما در شیوه های مدرن در واقع خود دانش آموزان هستند که وظیفه آموزش را بر عهده می گیرند و خود را مسیول آموزش می دانند. در واقع کار آموزگار جمع بندی دقیق و صحیح از مباحثی می باشد که دانش آموزان سعی در آموزش آن داشته اند. شیوه های معلم محور و سنتی دیگر کار ساز نبوده و آموزگاران از تکلم بیش از حد خودداری می نمایند. تجربه ثابت نموده است که دانش آموزی موفق تر خواهد بود که خود توانایی آموزش و انتقال مفاهیم را داشته باشد. بسیاری از اندیشمندان بزرگ از هنر موسیقی چنین یاد میکنند که در آموزش دروس مختلف از جمله ریاضیات تاثیر بسزایی دارد و می تواند کامل کننده ی هنر نمایش باشد. موسیقی و نمایش مکمل یکدیگر بوده و وجود هر کدام تاثیر بسیاری در دیگری دارد. جامعه آماری این پژوهش دانش آموزان ابتدایی ناحیه ۱ بندرعباس بوده که در قالب پرسشنامه ای توسط ۲۰ نفر از آموزگاران مدارس خاص بندرعباس مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته اند.

**میلاد مصطفایی (۱۳۹۷)؛** با توجه به این که انسان از همان سال های آغاز تولد در برابر صداهایی چون سرود و موسیقی به هیجان می آید و نسبت به آنها عکس العمل نشان می دهد به نوعی ذات انسان آمیخته با زیبایی های هنر می باشد در این مقاله تلاش بر این شده که رابطه هنر و زیبایی های آن با یادگیری ارزیابی شود. از این رو باید دید که هنر می تواند بر رشد عاطفی و شناختی تاثیر داشته باشد در واقع هنر رابطه نزدیکی با روح و روان انسان دارد و می تواند در تسریع یادگیری موثر واقع شود هنر مبتنی بر توسعه مهارت های اجتماعی، علمی، تفکر و سیستم عصبی می باشد و می تواند افزایش خلاقیت، اعتماد به نفس، علاقه و انگیزه را در پی داشته باشد هدف اصلی این مقاله پی بردن به نقش هنر بر یادگیری و ارایه توصیه هایی برای پیاده سازی هر چه بهتر این امر می باشد.

**علیرضا امیری، سجاد زنگه تبار، ذوالفقار فیلی (۱۳۹۷)؛** روش شناسی: روش مورد استفاده در این پژوهش، درس پژوهی (رویکردی جدید در توسعه دانش حرفه ای معلمان است که از درون مدارس ابتدایی ژاپن مطرح و گسترش یافته است) بوده است که زیر دسته طیف روش های کیفی قرار گرفته است. جامعه آماری مدارس مقطع ابتدایی و پایه ششم بوده است. نمونه پژوهش سه کلاس پایه ششم ابتدایی که از طریق نمونه گیری در دسترس انتخاب گردید. در این پژوهش سه معلم حضور داشته که در طراحی، اجرا و ارزیابی واحد یادگیری مد نظر که دوستی و مهارت های دوستی است همیاری و مشارکت داشتند. ابزار جمع آوری اطلاعات از طریق مشاهده و مصاحبه صورت گرفته است. نتایج پژوهش نشانگر مناسب بودن روش تدریس ایفای نقش نسبت به روش تدریس سخنرانی و روش نمایشی بوده است. نتایج: نتایج اخذ شده نشان از یادگیری پایدار تر روش تدریس ایفای نقش، در تدریس واحد ذکر شده دارد. بحث و نتیجه گیری: براساس پژوهش حاضر و با توجه به ضرورت موضوع پژوهش (دوستی و مهارت های آن) لازم است معلمان به جای استفاده از روش تدریس سخنرانی و نمایشی از روش های تدریس متناسب با درس های علوم اجتماعی بهره برد.

**بابک دهقانی، فرح انگیز باقرزاده (۱۳۹۵)؛** کودکان به طور معناداری کارکردها و قدرت خلاقیت بالاتری نسبت به افراد بزرگسال دارند و اختلال در کارکردهای اجرایی از کودکان با ضعف در دروسی همانند ریاضیات و خواندن رابطه دارد. این پژوهش با هدف تدوین و بررسی تاثیر مهارت های هنری در پیشبرد اهداف تربیتی انجام شد. با بررسی روش های مداخله ای موجود و نیازهایی که کودکان دارند - برنامه های هنری به عنوان بدنه اصلی برنامه در نظر گرفته شد. پیشنهاد می شود از این برنامه ها جهت افزایش بهبود وضعیت کودکان و احساس رضایت و آموزش بهتر بهره گرفته شود. در این تحقیق ضمن بیان مشکلات کودکان به بررسی تاثیر مهارت های هنری در پیشبرد اهداف تربیتی در بهبود یادگیری و اجتماعی پذیری کودکان دبستانی می پردازیم و راهکارهایی را جهت بهبود یادگیری و آموزش به کودکان ارائه می نماییم.

### ۳- روش تحقیق

جامعه آماری در این تحقیق دانش آموزانی هستند که در دبستان پسرانه سما شهر بندرعباس در کلاس چهارم تحت نظارت نگارنده این تحقیق، به تحصیل می پردازند. اما در این تحصیل رویکردی به نام هنر نمایش وجود دارد. لذا سعی شده است از دانش آموزانی استفاده شود که تمایل و استعداد و توانایی استفاده از این هنر را داشته و به همین واسطه درس را بیش از پیش فرا می گیرند.

در این پژوهش متناسب با موضوع و در جهت دستیابی به اهداف از روش تحقیق کتابخانه ای استفاده می شود. با توجه به اینکه در این پژوهش از روش توصیفی و تحلیلی استفاده خواهد شد و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای است، ابتدا با جستجو در پایگاه ها و سایت های اینترنتی و بانک های اطلاعاتی و استنادی همانند: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، SID، سیوبلیکا، مرکز تحقیقات کامپیوتری و با مراجعه به کتابخانه های دیجیتالی (کتابخانه های دیجیتالی نور، دانشگاه پیام نور و دانشگاه تهران) و برخی کتابخانه ها، با استفاده از کلمات کلیدی تحقیق در بین منابع مختلف با توجه به موضوع انتخابی و تحقیقاتی که انجام گرفته است، کتابها، مقالات، مجلات، پایان نامه ها و سایت های اینترنتی نیز مورد استفاده قرار می گیرد. بدین معنی که پس از بررسی های به عمل آمده از منابع در دست و فیش برداری به تحقیق و فیش برداری اطلاعات گردآوری خواهد شد.

### ۴- نتایج و بحث

#### ۴-۱- خلاقیت در کلاس درس

همه ی ما به این قضیه واقف هستیم که بخش عمده ای از یادگیری کودکان و تدریس آموزگاران در کلاسهای درس صورت می پذیرد و کلاس درس نقش اساسی در زمینه سازی این خلاقیت را دارد. فضاهای مختلف از جمله عاطفی، فیزیکی، یادگیری، میزان انگیزه و ... از عوامل هستند که اصطلاحاً به آن درون کلاسی گفته می شود و در پیدایش خلاقیت تاثیر بسزایی دارند. نقش آموزگار در پرورش و راه سازی این خلاقیت از اهمیت بالایی برخوردار است اما این تاثیر گذاری از دو جنبه قابل بررسی است: رابطه عاطفی با دانش آموزان و رابطه آموزشی و یاددهی.

ایجاد شرایط مساعد برای رشد خلاقیت مستلزم این است که معلم جوی صمیمانه و مطمئن در کلاس درس ایجاد کند. به طوری که دانش آموز بتواند با احساس امنیت، عقاید و نظریات خویش را ابراز دارند. معلم پس از تأمین نیاز عاطفی دانش آموزان، می تواند با اجرای اصول مناسب آموزشی دانش آموزان را هر چه بیشتر رهنمون گردد. نکته حائز اهمیت دیگر، نوع نگرش معلم به خلاقیت و دانش آموزان خلاق است. توجه به این که اغلب دانش آموزان خلاق کمتر با جمع هماهنگ هستند و رفتارشان قابل پیش بینی نیست، بعضی معلمان فکر می کنند که آنان، دانش آموزان دردرس آفرین هستند (ترزا، ۱۳۷۵؛ ص ۳۷).

هنر در ایجاد و پایه ریزی سنتهای فرهنگی حائز اهمیت است و کودکانی که تجارب خلاقه هنری دارند، آن را بهتر درک می کنند و برای آن ارزش بیشتری قائل هستند. براستی چنین است؛ زیرا ذوق و خلاقیت هنری برای آنان معنی دارتر خواهد بود.

ضروریست همه‌ی مربیان تربیتی و معلمان و دانش آموزان کارگاه‌های عملی هنری را با موفقیت به پایان برسانند تا به درک هنری و ارتباط تصویری دست یابند و همچنین یادگیری الفبای زبان هنر و ادراک هنری لازمه‌ی توسعه‌ی هر فعالیتی بوسیله زبان هنر، می‌باشند. چنانچه ما بتوانیم افراد متخصص برای آموزش درس هنر تربیت کنیم خواهیم توانست هم وطنان هنرمند، با ادراک هنری بالا تربیت کنیم برای شکل‌گیری شخصیت هنری در دانش آموزان می‌بایست از دوران کودکی مربی آگاه که دارای ادراک هنری صحیح از فعالیتهای هنری کودکان می‌باشند مسؤولیت تربیت آنها را بعهده گیرند تا با بازخوردهای درست موجبات پرورش استعداد هنری آنها را فراهم نمایند. مربیان تربیتی به عنوان پرچم داران تربیت و اصلاح جامعه باید از هنر به عنوان ابزاری کارآمد در بهبود فعالیت‌های تربیتی و فرهنگ جامعه استفاده نمایند و از طریق هنر، علاوه بر ارشاد دانش آموزان، جامعه را از گزند تهاجم فرهنگی برهانند و به سوی تعالی و رشد سوق دهند. هنر به عنوان مؤثرترین ابزار در پرورش روح و روان دانش آموزان نقش کلیدی دارد که مربیان نباید از این ابزار غافل بمانند (اکبر کریمی، ۱۳۸۷؛ ص ۷).

#### ۴-۲- هنر نمایش و بازیگری

همانطور که پیش تر عنوان شد، هنر خلاقیتی است درونی. یعنی آنچه که از درون بر آید و به بیرون بتراود تا بتواند خلایق را پر نماید.

هنر از دو جنبه مورد بررسی و ارزیابی دقیق قرار می گیرد: ۱- هنر زیبا ۲- هنر کاربردی  
راسکین می گوید: هنر واحد است، تفاوت قایل شدن میان هنر زیبا و کاربردی تصنعی و مخرب است (دونیس ا. داندیس، ۱۳۸۲؛ ص ۲۲).

لازم به ذکر است که هنر زیر مجموعه‌های فراوانی از جمله؛ نمایش، موسیقی، آواز، رقص، معماری، عکاسی، نقاشی، گرافیک و ... دارد که در این تحقیق به مطالعه موردی تاثیر هنر نمایش و موسیقی بر میزان یادگیری دانش آموزان پرداخته شده است.  
به نظر می رسد که یکی از متفکران روسی به نام تولستوی بیش از سایرین به معنای هنر دقت و تامل داشته است و نظریات فراوانی را ارائه نموده که یکی از این نظریات به طور نسبی دقیق تر از سایرین می باشد؛ از نظر وی، هنر فعالیت انسانی است که انسان آگاهانه و به یاری علایم ظاهری، احساسات تجربه شده خود را به دیگران انتقال دهد، به طوری که آنها نیز آن احساسات را تجربه نمایند و از مسیر حسی و خیالی که هنرمند از آن گذشته است بگذرند. هنر وسیله کسب لذت نیست بلکه وسیله ارتباط با انسان‌ها جهت سیر به سوی سعادت فرد و جامعه انسانی است<sup>۱</sup> (غلامرضا اعوانی، ۱۳۷۸).  
در یک معنای کلی نمایش بدین معناست که A در نقش B زمانی که C نظاره گر آن باشد. کلمه تئاتر از واژه یونانی تئاترون<sup>۲</sup> به معنای دیدن و تماشا کردن و محل تماشا آمده است و نمایش از کلمه یونانی دراما<sup>۳</sup> به معنای کنش و عمل کردن گرفته شده و آنچه که امروز درام نامیده می شود یک تلفظ فرانسوی است.

<sup>۱</sup> - هنر چیست؟ این اثر لئون تولستوی در باب هنر قابل تأمل است، زیرا تعریف وی بازگشت هنر به حالات نفسانی خاص هنرمند است و یا برعکس. این ابهام به ذهن خطور می کند که آیا هرگونه انعکاس احساسات انسانی به صورت علایم مشخص که توسط انسان تجربه شده و انتقال آن به دیگران به وسیله حرکت، خط، رنگ، صدا و یا اشکال هندسی، "هنر" نامیده می شود، یا انتقال احساسات و عواطف خاص با علایم ویژه، "هنر" به شمار می آید. هر چند تولستوی در توصیف خویش، به غایت هنر به عنوان سعادت و خیر اشاره کرده است. علاوه بر این، جای این پرسش وجود دارد که آیا این عواطف و احساسات تجربه شده، جنبه ذوقی و درونی دارد یا با نوعی حال حضور و دریافت اشراقی از طرف حق همراه است؟ اگر جنبه سلیقه‌ای و شخصی داشته باشد، نمی توان از آن به عنوان ضابطه و قاعده در توصیف هنر استفاده کرد، زیرا جنبه کلی ندارد.

<sup>۲</sup> - Theatron

<sup>۳</sup> - Darma

در مورد پیدایش و خاستگاه این هنر نظریات متعددی وجود دارد زیرا مدارک قابل اعتمادی تا کنون در این زمینه به دست نیامده، یک نظریه که پذیرفتنی ترین نظریه ها نیز هست حاکی از آن است که تئاتر از مراسم آئینی برخاسته، بدین ترتیب که بشر در آغاز به نیروها و موجوداتی اعتقاد پیدا کرده بود که می پنداشت تمام منابع غذایی و حیاتی اش به این موجودات تعلق دارند، لذا قبرای جلب رضایت و حمایت آنها اعمال و حرکاتی انجام می داد و شیوه های مختلفی را به کار می گرفت که این اعمال و حرکات به تدریج جرح و تعدیل یافته و به آئینی خاص بدل گشتند. از مراسم آئینی در زمینه های گوناگون از جمله باروری زمین، رهایی از خشکسالی، پیروزی در مبارزات و تغییر فصول بهره می جستند و عمدتاً نیز شکل و حالت نمایشی داشتند و عموماً اکثر افراد قبیله به اجرای آن همت گماردند (رحمت الله محرابی، ۱۳۷۹؛ ص ۱۱)

آنچه که در یک نمایش بیشترین اهمیت را دارد و اساساً بدون حضورش تئاتری وجود نخواهد داشت بازیگر است، زیرا بدون متن می توان به اجرای نوعی از نمایش همت گمارد (مانند نمایشهایی که بر مبنای بدیهه سازی<sup>۴</sup> به اجرا در می آیند) (همان، ص ۱۵)

روش نمایشی، از روش های متداول و مرسوم در آموزش است و در تاریخ این رشته، سابقه ای طولانی دارد. همانگونه که از نام این روش بر می آید، در آن، پدیده یا واقعیتهایی به نمایش گذاشته می شود و مهارت های دیدن، از محورهای اصلی این نوع آموزش است. با استفاده از این روش می توان با کمترین زمان، به تعداد زیادی از فراگیرندگان اطلاعات داد. در مورد اجرای این روش، دو مشکل اساسی وجود دارد: دانش آموزان فقط از یک حس، یعنی دیدن استفاده می کنند و صرفاً دانش و اطلاعات به دست می آورند و در این روش غیر فعال هستند (منوچهر فضلی خانی، ۱۳۹۱؛ ۲۴۴).

نمایش در مدارس دارای فرمت خاصی است، چرا که بازیگران آن از هرگونه حرفه و صنعتی در راستای استفاده از فیزیک و میمیک خود به دور هستند و تمام تلاششان برای خوب بودن است، غافل از اینکه این خوب بودن نیاز به تمرینات مکرر دارد نه تمرینات مقطعی.

نگارنده بر حسب تجربه ای که خود به عنوان معاون پرورشی در مدارس دارد لازم می دارند که این توضیح را اضافه نماید که کار نمایش در مدارس باید بر مبنای موقعیتهایی که دانش آموز در آن قرار گرفته شده است ساخته شود. چرا که سریع تر به نتیجه خواهد رسید. نمایش در مدارس ابتدایی می بایست دارای ریتم و حرکت بوده تا بتوان بهتر و بیشتر برای بازیگر قابل هضم باشد. این ریتم می تواند بر پایه یک سری حرکات موزون باشد که چنین بیان می شود:

حرکات موزون کودکان در حقیقت چرخیدن در یک دایره، دست زدن، پا کوبیدن و ... است که برخی از آنها در بازی های سنتی وجود دارند و بقیه توسط کودکان و مربی ابداع می شوند. این حرکات موزون از یک سو باعث تنوع حرکاتی می شود که کودک می تواند انجام دهد و اجرا کند که خود موجب هماهنگی بین اعضای بدن و رشد حرکتی و همچنین افزایش انگیزه و رغبت برای آموزش می شود و از سوی دیگر برای آموزش و درک ریتم و ملودی و فرم مورد استفاده قرار می گیرد (سودابه سالم، ۱۳۸۹؛ ص ۹).

نمایش یکی از زیر مجموعه های هنر می باشد که در مدت کوتاه ورود خود به ایران با استقبال بی نظیری در بین عوام روبرو شد و همگان تب بازیگری در سر می پروراندند. افراد زیادی برای رسیدن به آن تلاش می کنند و شبانه روز به تمرین و تحصیل ممارست می ورزند و راه های طول درازی را نزد اساتید برجسته می روند تا بتوانند این هنر را بیاموزند.

#### ۴-۳- آموزش تئاتر و نمایش

سالهای پایانی حکومت قاجار را تا سال ۱۳۲۰ هـ. ش می توان سالهای تمرین برای به وجود آوردن تئاتر در ایران دانست. این تلاش ها از سال ۱۳۱۸ هـ. ش با راه افتادن سازمان پرورش افکار و تاسیس هنرستان هنرپیشگی، سازمان می یابند و کارهای

<sup>۴</sup> در اینگونه نمایش بدون آنکه دست نوشته ای در میان باشد بازیگران با استفاده از خلاقیت های خود و با توجه به موقعیت و شرایطی که در آن قرار می گیرند به ایفای نقش می پردازند.

زیربنایی صورت می گیرد و آموزش تئاتر جدی می شود، اما تا آن سال ها هنوز وقت باقی است. این دوران، دوران رکود است. دوران تشکیل گروه های تئاتری، تماشاخانه ها و تالارها و به فاصله ی کمی، تعطیلی آنهاست؛ سال های تاسیس و تعطیلی، سال های آزمون و خطا. اولین تماشاخانه و تئاتر مردمی ایران در حدود سال ۱۲۹۰ هـ. ش با نام تئاتر ملی افتتاح شد. بر خلاف دارالفنون مردم عادی هم می توانستند به دیدن تئاترهایش بروند (ابراهیم امینی، ۱۳۹۵؛ ص ۶۸).

بازیگر، قبل از هر کاری، باید یک بدن خیالی برای نقش تجسم کند. این بدن خیالی، بدن نقش است. بازیگر باید یاد بگیرد که چگونه بدن خیالی را مثل یک لباس تن خودش کند. با تمرین منظم و زیاد، یاد می گیرد که چه جوری تناسبات بدن خودش را تغییر دهد و با بدن نقش یکی شود. هر نقش، علاوه بر بدن خیالی، یک مرکز خیالی هم دارد. منظور از مرکز خیالی، منطقه ای در درون و بیرون بدن نقش است که محرک تمام حرکات و رفتارهای اوست (میخائیل چخوف، ۱۳۸۵؛ ص ۴۰).

لازم است که اشاره شود که در نقش پذیری توسط دانش آموز جهت یادگیری درس نیاز به غرق شدن در نقش نیست چرا که در اینجا هنر ابزاری است جهت آموزش درس. اما اگر این نقش پذیری در راستای به تماشا گذاشتن باشد که مخاطبان آن دانش آموزان باشند می بایست بازیگر در نقش فرو رفته و بتواند خود را آنچنان نشان دهد تا آموزش کامل و جامع صورت پذیرد.

تمامی آموزگاران در برهه ای از زمان، دیر یا زود به این نتیجه پی خواهند برد که هنر علی الخصوص هنر نمایش می تواند کار آموزش را آسان تر نماید. طبیعتاً اگر ما بتوانیم از ابزاری جهت ماندگاری در ذهن استفاده کنیم بیشتر می توانیم آموزش خود را پیش ببریم. کودکان از نمایش های ریتمیک خوششان می آید و لذت می برند. به عنوان مثال ما می توانیم با استفاده از هنر نمایش و حرکات موزون در بدن به آموزش برخی از فعالیتهای آموزشی بپردازیم. به عنوان مثال: یک دانش آموز وقتی از شخصیت یک قصه گو لذت می برد پس ما به عنوان آموزگار می بایست در قالب قصه گو درس خود را به پیش ببریم.

قصه گویی بخشی از ادبیات نیز می باشد. ادبیات کودکان به دو گونه کلی تقسیم می شوند:

- ۱- ادبیات شفاهی: به آن دسته از قصه ها، داستان ها، حکایات، ضرب المثله ها و ... اطلاق می گردد که در طی قرن ها و سالیان سال از نسلی به نسل دیگر سینه به سینه منتقل شده است.
- ۲- ادبیات مکتوب: به مجموعه ای از ادبیات اطلاق می گردد که نگاشته می شود و قابل ثبت است. چرا که بعدها شاید قابل بررسی قرار گیرد. که اقسام آن عبارت است از:

- ادبیات داستانی: مجموعه رمان ها و حکایات و همچنین داستان های کوتاه و بلند را شامل می شود که هر یک دارای خصوصیات خاص خود است. اما نکته ی مشترک بین آن ها این است که همگی بر پایه ی توصیف و داستان بنا شده است.
- ادبیات نمایشی: در ادبیات نمایشی گفتگو و عمل به جای توصیف ادبیات داستانی می نشیند و نمایشنامه را به وجود می آورد. نمایشنامه یک متن ادبی است که برای اجرا نوشته می شود، اما متن هایی وجود دارند که صرفاً برای خواندن مناسب هستند. به این نوع نمایشنامه ها اصطلاحاً صندوقخانه ای (Closet) می گویند.
- ادبیات ژورنالیستی یا روزنامه نگاری: این نوع از ادبیات بیشتر مورد استفاده ی رسانه های گروهی چون مجلات، روزنامه ها و هفته نامه ها قرار می گیرد (بابک دهقانی، ۱۳۹۲؛ ص ۳۰).

#### ۴-۴- یادگیری مشارکتی در ابتدایی

در این دوره، از خودمحموری دانش آموزان کاسته می شود و آنها به تدریج شروع به نگرستن به جهان پیرامون می کنند و خود به دیدگاه های افراد دیگر مانند اعضای خانواده و همسالان توجه می یابند.

دانش آموزان قادر به تفکر منطقی درباره ی روابط موجود میان پدیده ها هستند:

(الف) می توانند نتایج و عواقب اعمال مربوط به تجربیات گذشته و تجارب افراد دیگر را پیش بینی کنند.

(ب) می توانند تجارب گوناگون را به ترتیب و به گونه ای متوالی به خاطر آورند.

ج) قادرند بر اساس تجربیات خویش، امور متفاوت را با هم مقایسه کنند. در این دوره دانش آموزان تجارب گسترده تری از جامعه به دست می آورند (جوانا اسکات و همکاران، ۱۳۸۵؛ ۷).  
 با توجه به این نکات چنین تصور می شود که دانش آموزان در فعالیتهای مشارکتی نظیر نمایش، می توانند علاوه بر افکار خود، افکار و احساسات دیگران را نیز درک نمایند و به درک مشکلات و آموزش های احتمالی و ناخواسته در این هنر دست یابند. برخی از آموزگاران در دروس فارسی به این نتیجه رسیده اند که اگر بتوانند هنر نمایش را در دروس جذاب و ریتمیک به کار گیرند، به مراتب موفق تر خواهند بود و کمتر خستگی حاصل از کلاس را احساس می کنند.  
 در همین راستا بخشی از دروس فارسی چهارم را که به راحتی قابلیت نمایشی شدن دارند و نگارنده خود در جشنواره های مختلف فرهنگی و هنری اداره آموزش و پرورش ناحیه یک بندرعباس به اجرا در آورده را عنوان می کنیم:



## ۵- نتیجه گیری

از روش های نمایشی جهت تدریس می توان به مزایایی به شرح ذیل اشاره نمود:

قطعا تمامی آموزگاران از اینکه دانش آموز را به کار و آموزش بکشاند خرسند و بر خود می بالند و طبیعتا یکی از موثرترین راه ها ایجاد فضایی جهت خودنمایی دانش آموز و نشان دادن استعدادها و توانایی هایش می باشد. لذا به کار گیری اشیاء حقیقی و واقعی که بتواند به واسطه آن از حواس پنجگانه خود استفاده نماید می تواند یکی از ترفندهای آموزشی نیز باشد. نگارندگان این تحقیق در طول چندین سال تدریس خود به این نکته اشرف داشته که نمایشی کردن برخی از دروس نه تنها خسته کننده نمی باشد، بلکه ایجاد فضایی مفرح و دوست داشتی را برای آموزگار و دانش آموز به ارمغان می آورد. قطعا به نمایش در آوردن برخی از دروس که در این تحقیق نیز بدان ها اشاره گردید نیاز به روش های گوناگونی هم جهت آموزش و هم جهت سرگرم کردن دانش آموزان دارد. لذا هر یک از این روش ها می بایست با نیاز جامعه کوچک کلاسی و همچنین هدف مدرس که مهمترین بخش از این قسمت است هماهنگ و همراه باشد. اجرای یک نمایش برای درسی خاص نیاز به یک نمایشنامه خوب، روان و دارای محدودیت زمانی دارد. تنوع در شیوه های اجرایی و بر عهده گذاشتن مسئولیت دانش آموزی می تواند به خودی خود برخی از این مشکلات را محدودتر نماید.

## منابع و ماخذ:

## کتاب:

- ا.داندیس، دونیس، (۱۳۸۲)؛ مبادی سواد بصری، مترجم: مسعود سپهر، نشر سروش، چاپ ششم، تهران، شابک: ۹۶۴-۴۳۵-۶۴۰-۳.
- اسکات، جونا و همکاران (۱۳۸۵)؛ یادگیری مشارکتی، مترجمان: دکتر محمد امینی، دکتر منصور مرعشی، انتشارات مدرسه، چاپ چهارم، تهران، شابک: ۹۶۴-۳۵۳-۸۶۰-۵.
- اسلین، مارتین، (۱۳۷۹)؛ نمایش چیست، مترجم: شیرین تعاونی (خالقی) تهران، شابک: ۹۶۴-۵۵۹۶-۱۶-۵.
- اشمیت، رودیگر، (۱۳۸۲)؛ راهنمای زبان های ایرانی، جلد اول: زبان های ایرانی باستان و ایرانی میانه، ترجمه آرمان بختیاری و دیگران، انتشارات ققنوس، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۲.
- اعوانی، غلامرضا، (۱۳۷۸)؛ تقریرات درسی، انجمن حکمت و فلسفه، ایران.
- امینی، ابراهیم، (۱۳۹۵)؛ سرگذشت بازیگری در ایران، چاپ اول، نشر افق، تهران، شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۵۳-۰۷۴-۴.
- بورکهارت، تیتوس، (۱۳۹۰)؛ هنر مقدس (اصول و روشها)، مترجم: جلال ستاری، چاپ پنجم، نشر سروش، تهران، شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۲-۰۱۷۹-۳.
- ترزا، (۱۳۷۵)؛ شکوفایی خلاقیت کودکان، مترجم: حسن قاسم زاده و پروین عظیمی، نشر دنیای نو، چاپ اول، تهران.
- چخوف، میخائیل، (۱۳۸۵)؛ بازیگری، مترجم: کیاسا ناظران، نشر قطره، تهران، شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۴۱-۶۱۴-۰.
- محرابی، رحمت الله، (۱۳۸۳)؛ آموزش تئاتر (ویژه مربیان)، چاپ سوم، نشر عابد، تهران، شابک: ۹۶۴-۷۰۷۷-۳۹-۴.
- محمدی، رامونا، (۱۳۹۴)؛ تاریخ هنر ایران و جهان، چاپ سوم، نشر فارسیران، تهران، شابک: ۹۷۸-۵۸۱۴-۳۷-۸-۶۰۰.
- دهقانی، بابک، (۱۳۹۲)؛ نگاهی به مبانی نمایشنامه نویسی و تحلیل نمایشنامه، چاپ اول، ناشر مولف، بندرعباس شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۰۷-۱.
- سالم، سودابه، (۱۳۸۹)؛ بخوان با من، بساز با من (۱ و ۲)، شرکت انتشارات سوره مهر، چاپ اول، تهران، شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۰۶-۸۱۵-۶.
- فضلی خانی، منوچهر، (۱۳۸۱)؛ راهنمای عملی روش های مشارکتی و فعال در فرآیند تدریس، نشر موسسه فرهنگی منادی تربیت، تهران، شابک: ۹۶۴-۳۴۸-۲۴۵-۶.

- کریمی، اکبر، (۱۳۸۷)؛ نقش هنر در فعالیت های امور تربیتی، وزارت آموزش و پرورش، نشریه نگاه، شماره ۳۷۳.

#### مقالات:

- امیری، علیرضا؛ سجاد زنگنه تبار و ذوالفقار فیلی، (۱۳۹۷)؛ واکاوی روش های تدریس (سخنرانی، نمایشی و ایفای نقش) در ارایه ی درس دوستان ما، ششمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
- دهقانی، بابک و فرح انگیز باقرزاده، (۱۳۹۵)؛ بررسی تاثیر مهارت های هنری در پیشبرد اهداف تربیتی، چهارمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
- دهقانی، بابک و نسیم عماره، (۱۳۹۷)؛ ارزیابی میزان یادگیری دروس ابتدایی، در روش های نوین تدریس به جای روش های سنتی و معلم محور با نگاهی بر هنر نمایش و موسیقی مطالعه موردی: دانش آموزان ابتدایی ناحیه ۱ بندرعباس، دوماهنامه پژوهش در هنر و علوم انسانی.
- مصطفایی، میلاد، (۱۳۹۷)؛ نقش موثر هنر در ارتقای سطح یادگیری، ششمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
- سیستم حل مسئله ابداعی و خلاقیت و نوآوری نظام یافته، (۱۳۸۱)؛ مجله مدیریت. انجمن مدیریت ایران، شماره ۵۹.